

عنوان مقاله:

فوکو، روشنگری و هنر آفرینش خویشتن

محل انتشار:

دوفصلنامه غرب شناسی بنیادی، دوره 9، شماره 2 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسندگان:

فاطمه ساکی - کارشناسی ارشد فلسفه غرب، دانشگاه اصفهان

علی کرباسی زاده اصفهانی - دانشیار فلسفه، دانشگاه اصفهان

علی زارعی (پیمان) - دکتری فلسفه، دانشگاه اصفهان

خلاصه مقاله:

مقاله‌ی حاضر نشان می‌دهد که چگونه میشل فوکو در آثار پایانی خود با رجوع به برخی آموزه‌های روشنگری به هنر آفرینش خویشتن روی می‌آورد. بازاندیشی مفاهیم اساسی روشنگری در فوکوی متاخر با درک تازه‌ای از کانت و سوژه همراه است. با جای دادن نظریه‌های زیباییشناسی مرتبط با نفس در متن تفکر روشنگری، فوکو نشان می‌دهد که نه تنها او ارزشهای روشنگری را نادیده نمی‌گیرد، بلکه به بازسازی برخی از این مفاهیم می‌پردازد. بازتاب چنین نگرشی خود را در اخلاق به معنای رابطه با خویشتن نشان می‌دهد. صورتبندی چنین اخلاقی به مدد پژوهشهای فوکو در مورد اخلاقیات در یونان و روم از یک طرف، و رجوع به آموزه‌های نیچه و شارل بودلر از طرف دیگر ممکن می‌شود. اخلاقیات در جهان باستان در پی ارائه‌ی شیوه‌ای برای پرورش خلاقیت افراد است که آنها را ابتدا با اکنون خویش و سپس با خویشتن خویش مواجه کند تا فرد بتواند به‌گونه‌های دیگر بیان‌دیشید، زندگی خود را دگرگون کند و خود را بیافریند. بودلر نیز مدرن بودن را خلاقیت و پویایی معنا می‌کند و معتقد است زندگی انسان نیز باید مانند اثر هنری با خلق خویشتن و تغییر همراه باشد. در این مقاله در صدد هستیم به بررسی خودآفرینی و زیست زیبا بپردازیم.

کلمات کلیدی:

کانت، روشنگری، فوکو، بودلر، زیباییشناسی خود، خودآفرینی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1188795>

